

بسم الله الرحمن الرحيم

جزوه‌ای که در پیش روی همشهریان گرامی قرار دارد، مروری است کوتاه بر تاریخچه زادگاهمان داریان که پس از اظهار نظر احتمالی افراد ذی صلاح، به عنوان کتابی مستقل به چاپ خواهد رسید. انشاءالله.

پیشگفتار

در سالهای اخیر بعضی از همشهریان ادیب و فرهنگ دوست مقیم تهران دست به چاپ و نشر نوشته‌هایی زده‌اند که هریک به نوبه خود یک سلسله رویدادها و آثار فرهنگی و اجتماعی، و نیز سابقه تاریخی زاد و بومشان را در آنها مورد بحث قرار داده است. قصد و نیت چنین ناشرانی که خود نشانی از علاقه (حب الوطن من الایمان) آنان به شمار می‌رود. آگاهی و توجه دادن ما شهرستانیهای شهر نشین و دور از وطن، به زادگاه و میراث فرهنگی و اجتماعی نیاکانمان است که متأسفانه زرق و برق تهران نشینی آنچنان ما را مفتون و مشغول خود نموده که فرصتی برای شناخت آثار علمی و ادبی شخصیت‌های بزرگ و نیز اعمال مردان نیکوکار و خادمین به وطن و ملت را برای ما باقی نگذاشته است.

تألیف و تنظیم چنین نوشته‌هایی برای نسل جوان دورافتاده از وطن و جدا شده از آداب و رسوم و زبان مادری و اصالت قومی خود، دریچه روشنی است که می‌تواند فکر و اندیشه آنان را مثل چراغ راهنما به تاریخ فراموش شده و گم گشته نیاکان رهنمون سازد.

شاید به همین جهات و همین ایده اندیمندانه است که برخی از همشهریهای علاقمند و مشتاق به زادگاهمان، از حقیر خواسته‌اند که مجموعه‌ای از آثار و اتفاقات و وقایع چهار دیواری خودمان داریان فراهم نمایم، تا بتوانند در حال فراغت گوشه‌چشمی به روزگار گذشته نیاکان بیاندازند و اندکی حسرت دور ماندن از وطن را از این طریق التیام بخشند.

باز جوید روزگار وصل خویش

هرکسی، کو دورماند از اصل خویش

باید اذعان کنیم که این پیشنهاد اصولی و عقلانی همشهریان دوراندیش جهت آگاهی نسل کنونی دور مانده از اصالت نسبی و سببی و تاریخ غبار گرفته جامعه مان امر بسیار ضروری و سودمندی است. و می تواند تا حد زیادی اوضاع و احوال قوم و تبارمان در قرون گذشته را به آیندگان انتقال بدهد.

لازم به تذکر است که عدم آشنایی هر جامعه به میراث فرهنگی و اجتماعی نیاکان و زادگان شان و انقطاع از روابط سببی و نسبی خود، باعث پراکندگی و بی هویتی در سطح اجتماع خواهد بود و برعکس آشنایی با تاریخ و آداب و رسوم و زبان و ملیت هر قوم که اصل و اساس همبستگی است، باعث اتحاد و اتفاق و رشد شخصیت و هویت و معروفیت و غرور ملی گشته اعتماد به نفس فردی را نیز به وجود می آورد.

به همین منظور نگارنده با توجه به خواست و علاقه همشهریان عزیز در صدد برآمدن که شمه ای از خاطرات و مسموعات موثق و نوشتارهای مستند خود را که از سالهای دور و دراز جمع آوری نموده در اوراق پراکنده یادداشت نموده ام، سرهم بندی کرده به صورت مجموعه ای به نام «کوله بار خاطرات» تقدیم همشهریان علاقمند به وطن بنمایم. تا چه قبول افتد و چه در نظر آید.

وقایع اتفاقیه

برای روشن نمودن ذهن همشهریان عزیز باید عرض کنم ما موضوعات و حوادث و مقولات جالب و شنیدنی از رویدادهای تاریخی نیاکان و زادگاهمان در بطن تاریخ فراموش کرده جامعه مان داریم که متأسفانه نسل کنونی کوچکترین اطلاعی از کم و کیف آنها ندارند. و لذا بسیار بجا خواهد بود به یاری خدا بتوانیم بخشی از آنها را در این جزوه به نظر تان برسانیم و آرزو کنیم این نوشتار فتح بابی برای جوانان تحصیل کرده با استعداد و اهل فن نویسندگی و خبره علاقمند به تاریخ گذشته زادگاهمان داریان باشد، تا بتوانند در آینده، از طریق تحقیق و تفحص علمی رخدادها و حوادث را از زوایایی تاریخی تاریک و گم شده جامعه مان به وجه اکمل پیدا نموده، با سلیقه بهتری و منظم تر این شیوه را ادامه بدهند.

اینک قسمتی از یادداشتهای پراکنده و قلم انداز خود را فهرست وار در این جزوه به طور اجمال ارائه می‌دهم. باشد که در آینده به شرح مفصل آنها بپردازیم.

۱- از زلزله شد خراب

جریان زمین لرزه شدید و معروف سال ۱۱۹۴ هجری قمری که منجر به محو و فرورفتگی تمامی خانه‌های داریان قدیم (بوخاری کند) گردید، از اهم حوادث ناگوار تاریخی ما محسوب می‌شود و لذا لازم است نسل کنونی از کم و کیف آن اطلاع بیشتری داشته باشد. در این تاریخچه وقوع آن را با قید تاریخ روز، ماه و سال به طور دقیق از روی مدارک معتبر به نظر تان خواهیم رساند.

۲- بنیاد داریان جدید

شرح مشخصات حدود ثبتی و رسمی زادگاهمان با شرح حدود اربعه و ایجاد بنای داریان جدید پس از زلزله مذکور توسط یک معمار مجرب از اهالی خوی که با طرح و نقشه صحیح کوچه‌ها و معابر مستقیم و متقاطع و چهار راههای زاویه دار و بدون پیچ و خم بنیان گذاری شده. بطوریکه ترکیب و اصالت آن تا امروز محفوظ مانده است و نیز شرح وجه تسمیه «داریان» از جنبه لغوی که سابقه تاریخی دارد.

۳- فرمان ناصرالدین میرزا ولیعهد در تبریز (ناصرالدین شاه بعدی)

در جواب شکایت قاطبه اهالی داریان در تاریخ حدود سالهای ۱۲۵۵ هـ. ق از دست شخصی به نام یوسف خان که مالک کوزه کنان بوده. و دستور ناصرالدین میرزا ولیعهد به قاضی شهر تبریز صدرالفضلاء ملاصدرا نسبت به صدور حکم رفع مزاحمت مطابق شرع واحکام کتاب و؟؟؟ بدیهی است این قضیه مربوط به دوران فتودالیته (ارباب رعیتی) است که ارباب علاوه بر تصاحب زمین و روستا مالک رعیت هم بود یعنی مالک آدمها؟!

توپچی‌های دوران قاجاریه

اسامی تنی چند از جوانمردان داریانی که در زمان سلاطین قاجار از سرکردگان قشون بوده در جنگهای یاغیان داخلی در بروجرد و کلات نادری شرکت داشته‌اند. بخصوص همزمان با فرماندهی (مرحومحسین خان میرپنجه خامنه‌ای) زمان ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه با درجه و منصب (یاوری، سلطانی و کیلی) از صاحب منصبان آن عصر بوده‌اند با نام در این تاریخچه معرفی خواهند شد. لازم به تذکر است امروزه درجه و منصب بعضی از آنان را اعقاب و احفاد شان در هویت شناسنامه‌ای قید نموده‌اند.

شیرعلی بیگ داریانی نایب شهرشکی شروان

معرفی یک شخصیت کشوری و لشکری به نقل از یک کتاب تاریخی تألیف یکی از شاهزادگان ادیب و فاضل و دانشمند قاجار که حدود ۱۲۸۰ هـ ق سرنوشت عجیبی او را به شهرشکی کشانده و سالها در آن شهر علاوه بر معاونت استاندار به نام (پخل نیک باغدانوسکی) سمت مترجمی ایشان را هم داشته است.

الکاسب حبیب‌الله

علل و انگیزه اصلی انتخاب شغل شریف کسب و تجارت داریانی‌ها به عنوان یک شغل حرفه‌ای و نیز نام پیشروان این شغل که تا کنون به طور وضوح در جایی مطرح نشده در این مجموعه به طورمشروح بیان خواهد شد.

یادی از روحانیون قدیم

معرفی نام روحانیون حوزه دیده قدیم و شجرنامه آنان تا نسل پنجم با ارائه نمونه خط و ربط و مهرهای هویتی ایشان که در حاشیه اسناد و قبالة‌ای قدیم ثبت شده، خالی از لطف نیست.^۱

^۱ - از جمله روحانیان فاضل داریانی که از درسهای عالی حوزه علمیه قم استفاده نمود زنده یاد حجه الاسلام میرزا ابراهیم قباذی و اتقی فرزند مرحوم حجه الاسلام آقا میرافاض بود.

از مکتب تا دبستان و دبیرستان

شرح وضع مکتب داری بدون برنامه و غیر بهداشتی قبل از سال ۱۳۰۷ شمسی توسط روضه خوانهای محلی و اجرای سبک جدید تدریس مطابق برنامه وزارت از سال ۱۳۰۷ تا ۱۳۲۴ شمسی بوسیلهٔ معلمان دلسوز بدون دخالت ادارهٔ فرهنگ و احداث اولین دبستان رسمی دولتی در سال ۱۳۲۴ شمسی.

تاریخچه‌ای از مسجد و بازارچه داریان

معرفی شخصی نیکوکار و شرح اعمال خیر او در حین احداث داریان جدید در محل فعلی از جالب‌ترین موضوعات مستند نگارنده است. مطابق سند معتبر موجود که با مهر و امضای یازده نفر از علمای سرشناس خامنه و بنیس و داریان قدیم و نیز به گواهی حدود بیست نفر از اهالی بومی رسیده است. در همان تاریخ که اهالی بازمانده و نجات یافته از زمین لزهٔ یوخاری کند چند کیلومتر پایین تر داریان جدید را بنیانگذاری می‌کنند مردی عاقبت اندیش و علاقمند به موازین اسلامی از میان آنان مسجدی را با هزینهٔ شخصی بنا می‌کند. و به منظور تأمین مخارج و مصارف ضروری مسجد مزبور، علاوه بر تعدادی باغ و زمین بادامه زار و آب جاری در چند قنات در خامنه و بنیس و داریان از جمله قنات خواجه کاه، بازارچه‌ای را هم با بیتس و دو باب دکان در مرکز روستانی جدید الاحداث ترتیب می‌دهد و عواید همه آنها را طبق وقفنامه‌ای که در اختیار نگارنده هست به مسجد مذکور وقف می‌کند.

در اینجا مطلب جالب و در عین حال سوال برانگیز به ذهن می‌رسد. و آن اینکه تعداد خانواده‌های نجات یافته از زلزله و کوچ کرده بهداریان جدید که بیش از صد خانوار نبوده‌اند. بعید به نظر می‌رسد شخص

نامبرده در سال ۱۳۵۰ هجری قمری برای ادامه تحصیلات دینی عازم مدرسه طالیبه تریز شد و پس از سه سال اقامت در آن شهر وارد شهر قم گردید. چهار ماه پس از اقامت در آن شهر برای زیارت آستان حضرت رضا علیه السلام به همراه دوستانش راهی مشهد مقدس گردید. ورود او همزمان با واقعهٔ مسجد کوه‌شاد بود که در آن واقعهٔ هلموراز اسبقی رضاخان پهلوی عده‌ای از زائران و اهل علم را دستگیر کردند، که ایشان نیز از جمله دستگیر شدگان بود. پس از ۲۸ روز حبس در مشهد، و ۵۰ روز تبعید در سمنان، مورد عفو قرار گرفت. از جمله استادان مشهور وی در اصول، فقه و منطق آیات عظام سید شهاب الدین مرعشی نجفی و سید محمد حجت کوه کمره ای و امام خمینی (ره) بودند. آرامگاه ابدی او در زادگاهش شهر داریان قرار دارد. البته اسامی و شجره‌حال دیگر روحانیون قدیم داریان نیز به تفصیل خواهد آمد، ولی نظر به اینکه اسناد خطی از زندگانی جناب آقای میرزا ابراهیم فیاضی در اختیار بود، درج دانستیم که خلاصه‌ای از آن در این جزوه نیاید. (نوشتهٔ علی اکبر تلافی داریانی)

دوراندیش مثل این مرد برای رفع نیازهای صد خانوار روستایی زراعت پیشه و دامدار که زندگی ساده و محقر روستایی دارند بازارچه‌ای به این عریضی و طولی و غیر ضروری را سرمایه‌گذاری نماید. مگر اینکه تصور کنیم آن مرحوم از اقدام به این کار هدف و مقصد خاصی داشته و خواسته است با این عمل همانند روستاهای مجاور که اینک به آنها نزدیکتر شده بساط هفته بازار در این بازارچه راه اندازی نماید تا از این طریق بتواند با جلب سکنه روستاهای مجاور کسب و کار و پيله وری و معاملات پایاپای که در آن عصر و زمانه معمول بود وضع نابسامان و نامساعد روستای جدیدالاحداث را رونقی بدهد. و از این طریق بتواند اولاً دکانها را به پیشه‌وران و پيله‌وران غیر بومی که هرکدام متاع خاصی برای فروش دارند واگذار کند و از عواید آنها مخارج مسجد را تأمین کند. ثانیاً اهالی زلزله زده و درمانده، ضمن اشتغال به کار و کاسبی مازاد محصولات خودشان را نیز به آسانی در محل به فروش رسانند. مطمئن هستم مطالعه متن این وقفنامه تاریخی مایه عبرت و بصیرت است. و در عین حال موجب خجالت جامعه مان که چرا تا کنون نتوانسته‌ایم چنین مردی را بشناسیم و لااقل با خواندن فاتحه‌ای سپاس و حق شناسی خود را نسبت به او ابراز داریم.

مصطفی خان بیگدلی را بشناسیم

معرفی نما و مقام و منصب و شرح اعمال خیر مرد اندیشمند و سخاوتمندی که در سال ۱۰۴۱ هجری قمری حدود ۳۷۳ سال پیش از این در روستاهای ارونق من جمله داریان قدیم قبل از زلزله ۱۱۹۴ ه. ق بانی باقیات الصالحات بسیاری بوده از جالبترین و ارزشمندترین یادداشتهای نگارنده است.

طبق وقفنامه موجود، موقوفات این مرد نیکوکار در (داریان قدیم) مقادیری از مزرعه و باغات و اراضی و صحاری و نیز چند شبانه روز از حقابه چند قنات که امروزه به جز خواجه کاهانام و نشانی از بقیه باقی نمانده است شامل می شود.

اصل و نسب و اعمال خیر این شخص شریف را باید از دو نظر مورد بررسی قرار بدهیم. یکی از جنبه اصل و نسب و شخصیت و مقام، و دیگری از نقطه نظر اعمال خیر او که در نقاط زیادی از کشور از خود به یادگار گذاشته است.

الف - اصل و نسب او که پس از سالها تحقیق و مطالعه کتابهای متعدد تاریخی بدست آورده ام، به نام مصطفی خان سلطان بیگدلی از قوم و تبار ترکان اصیل و مشهور بیگدلی های شاملو است که امروزه تیره های زیادی از آنان در نقاط مختلف کشور ساکن هستند.

اصل و نسب و ریشه این طایفه بزرگ و مشهور و خدمات آنان به کشور در خلال تقریباً هزار سال در کتابهای تاریخی به تفصیل نگاشته شده و چون انتساب جامعه امروزی ما به توضیحاتی که خواهم داد به شخص مصطفی خان و ایل بیگدلی بی ارتباط نیست لذا برای روشن نمودن ذهن خواننده مجبور به توضیح و تشریح بیشتری هستم.

با توجه به نقل و قولهایی که معمرین و پیر مردان قدیمی مان گفته اند، اجداد ما شاخه ای از ایلات کوچ نشین منطقه اردبیل بوده که قرنهای قبل مهاجرت نموده و در داریان قدیم کنار (جوی وری) سکنی گزیده اند. کاملاً حقیقت دارد نگارنده این روایت را بارها از معمرین و کهن سالان قدیم شنیده ام.

یکی از اشخاص موثق که اطلاعات زیادی از تاریخ داریان و حوادث و رویدادهای گذشته آن به خاطر داشت از روحانیون محل مرحوم آقامیرزا فیاضی واثقی بود که سخنان و خاطراتش درباره تاریخ داریان قابل وثوق است.

او با همه کهولت سن دارای حافظه قوی انباشته از وقایع و ماجراهای دوران گذشته بود و لذا هر واقعه را با تاریخ و نام و نشان تعریف می کرد.

از جمله همین موضوع ارتباط و انتساب اجداد مان با ایلات حومه اردبیل را با آب و تاب نقل می نمود. و دلیل روشن و واضح این ارتباط تشابه و تقارب صورت و لهجه و تلفظ زبان بومی ما با زبان اهالی منطقه اردبیل و از طرف دیگر عدم تشابه و فرق فاحشی است که بین لهجه ما با زبان روستاهای اطراف داریان وجود دارد. با این توضیح همبستگی و هم نژادی جامعه ما با ایلات مهاجر مذکور واضح است و جای هیچ شک و تردید باقی نمی گذارد.

ما و ایل بیگدلی

در بخش قبل موضوع انتساب داریانیهای اصل به ایلات مهاجر را به قدر کافی توضیح دادیم. حالت تشخیص و کشف اصل و نسب آن ایل که از کدام ایل هیجده گانه حومه اردبیل بوده، برای ما مسئله مهمی است. چرا که شناخت و تثبیت اصالت هر خانواده و هر جامعه موجب کسب اعتبار شخصیت و هویت و معروفیت و سربلندی آن است.

نگارنده با توضیحاتی که خواهد داد عقیده دارد جامعه امروزی ما داریانی ها بدون تردید از نسل و اعقاب همین ایل و تبار معروف و مشهور بیگدلی های شاملو بوده است. ولی قبل از اینکه به دلیل و مأخذ مستند این انتساب بپردازم، لازم می دانم نخست مطالبی پیرامون شکوه و قدرت و عظمت و خدمات بی شمار این طایفه در قرون گذشته را که در کتب مختلف تاریخی به طور مفصل و مشروح نگاشته شده است، به طور مجمل و خیلی کوتاه در اینجا بیاورم.

در تاریخ بیگدلی می‌خوانیم که ایل بیگدلی حدود سالهای ۳۹۵ هـ ق از شرق به غرب آمده در نقاط مختلف ایران سکونت گزیده‌اند. بعدها قسمتی از این قوم به شامات رفته در ارتفاعات جولات ساکت شده‌اند. پس از هجوم و قتل و غارت تیمور به ایران که گستره آن تا مسکو، گرجستان، قفقاز، آسیای صغیر، سوریه، بغداد و شام ادامه داشت پس از چندسال در مراجعت از شام حدود سی هزار خانوار از ایل بیگدلی هم در معیت وی به سرزمین‌های اصلی خود در شرق بازگشت می‌کنند. وقتی به اردبیل می‌رسند در آنجا به وساطت و خواهش خواجه سلطانعلی سیاه پوش از اردوی تیمور جدا شده در اردبیل ماندگار می‌شوند. از آن تاریخ به نام بیگدلی شاملو شهرت یافته به پاس محبت‌های سلطانعلی در خدمت خاندان شیخ صفی باقی می‌مانند. بعدها سرنوشت سلاطین صفویه را به دست گرفته در خلال ۲۴۳ سال دوران صفویه رتق و فتق امور کشور در دست قوم بیگدلی بوده در ترویج و تبلیغ تشیع فداکاریهای زیادی نموده‌اند. دانشمند و فیلسوف و طبیب معروف دربار سلطان محمود غازان، مرحوم «رشید الدین فضل‌الله» در کتاب خود جامع‌التواریخ که در سال ۷۳۰ هجری قمری تألیف نموده، پس از شرح و بسط زیاد می‌نویسد: «ایل جلیل بیگدلی شاملو با روی کار آوردن سلاطین صفویه در تمام دوران سلطنت آنان متنفذترین و با قدرت‌ترین ایلات بوده‌اند، در هر زمان و مکان در خدمتگزاری و میهن پرستی و عدالت گستری قدم برداشته‌اند.»

اسکندر بیک در کتاب با ارزش خود «عالم آرای عباسی» می‌نویسد: «طایفه بیگدلی که معظم طوایف قزلباش و به قدمت خدمت و حقوق و جان سپاری از همه پیش و در زمان خاقان و ظهور این دولت و این خاندان و جلوس همایون حضرت شاه جنت مکان «شاه اسماعیل اول» از امراء بزرگ در میان خانان عالی شأن بوده‌اند...»

در کتاب «احسن‌التواریخ و اصح‌التواریخ» هم هرکدام ضمن بحثهای مفصل می‌نویسند: «بزرگان قوم بیگدلی در تمام سلطنت صفویه در امور کشوری و لشکری از خادمان صدیق این خاندان به شمار می‌رفته‌اند، و بویژه از مرز داران دلیر و بی‌پروای کشور بوده‌اند.»

و نیز نوشته شده یکی از بزرگانت ایل بیگدلی به نام حسین خان که به عنوان [آتالیق شاه اسماعیل] انتخاب شده بود، او را از کودکی تحت آموزش و سرپرستی خود قرار داده تا اینکه بالاخره در تبریز به تخت سلطنت نشاند و بعد بنیانگذار ارتش عظیم قزلباش بوده است.

همچنین شخصیت معروف قرن گذشته قائم مقام فراهانی بزرگ در کتابی به نام (شمایل خاقان) که پیدایش و ریشه قوم بزرگ ترک را از دوران حضرت نوح با ادله و برهان تا قرون آخر تنظیم نموده در وصف طایفه بیگدلی می نویسد:

«مجملاً در دولت صفوی و نادری، اعیان و اشراف و اکابر قوم بیگدلی بسیار معروف و مشهور بوده که هریک در زی خویش کسب کمال یافته اند. از آن جمله مصطفی خان بیگدلی است که از جانب نادرشاه به سفارت روم مأمور شده است.»

یک توضیح

به طوری که قبلاً اشاره شد در مورد میزان و مقدار موقوفات مصطفی خان هم باید مطالبی را بیان کنیم. چون ذکر همه آنها در این مقدمه باعث تطویل کلام خواهد بود، لذا فقط به شرح مختصری از آن اکتفا نموده بقیه را به فرصت دیگر موکول می نماییم.

یک نکته در یک کلمه

حال که از قول و قلم مورخین و محققین موثق تاریخ، مشتی از خروارها خدمات صادقانه و معروفیت و شهرت ایل بیگدلی در چندین قرن بخصوص در زمان شاه اسماعیل فرزند خلف و دلاور و نامدار آذربایجان را شنیدید، جای آن است که با دلیل و مأخذ مستند، اصالت هم نژادی داریانی ها با مصطفی خان و در واقع

با ایل جلیل بیگدلی را روشنتر نمائیم و بای روشن نمودن این اصل مهم لازم است عین جمله قید شده در وقفنامه مورخ ۱۰۴۱ هـ. ق مصطفی خان را در اینجا بیاوریم.

«همگی و تمامی حصه ارثی و اکتسابی در قریه داریان از توابع ارونق منن اعمال دارالسلطنه تبریز با حقا به قنوات خواجه کاه که از هشت سهم، یک سهم و یک شبانه روز از آب قنات کهن کهریز...»
منظور نگارنده از جمله «یک نکته در یک کلمه» همین کلمه «ارثی» است که در متن وقفنامه قید شده و برای اثبات اصالت جامعه ما اهمیت بسزایی دارد، می باشد.

همانگونه که ملاحظه شد قسمتی از موقوفات مزبور به عنوان ارثی صراحت دارد و مسلم است این ارثیه ها بدون شک از خویشان و کسان نسبی مصطفی خان یعنی ایل بیگدلی که سالهادر یوخاری کند سکونت داشته و املاک و باغات و قنواتی بوجود آورده اند به عنوان ارثیه به او رسیده است. (حالا هم املاک چای باغلاری که در آن عصر باغاتی بوده اند معروف است) پس نکته ای که در یک کلمه (ارثی) مستتر است ارتباط قطعی جامعه ما با ایل با شکوه و مقتدر بیگدلی را تأیید می کند.

و یک پیشنهاد

نگارنده پیشنهاد می کند به عنوان سپاس و حق شناسی و طلب مغفرت از این دو مرد واقف و نیکوکار از طرف قاطبه اهالی متن وقفنامه ها به طور جداگانه عیناً در لوحه و یا سنگ مرمرینی حک شده اولی بر دیوار مسجد مرحوم حاجی محمد میرزا که بانی موقوفات مسجد مزبور است و دومی به نام مصطفی خان بیگدلی به یکی از مساجد داریان به طریقی که بعداً تذکر خواهیم داد نصب گردد.

و بالاخره مردی از معاصرین

قبل از هر چیز باید اعتراف کنم به اینکه شرح و تفصیل کارهای خیر و عام المنفعه این مرد نیکوکار مطابق اسناد و مدارک آنقدر زیاد است که خود کتابی حجیم می شود. و لذا تردید دارم بتوانم تنظیم و تشریح

همه آنها را به علت عدم فرصت کافی و نیز بر اثر ضعف بضاعت کتابت و فن نویسندگی حرفه‌ای انطور که دلم می‌خواهم انجام بدهم. ولی بهر ترتیب سعی می‌کنم شمه‌ای از عقاید و افکار و همچنین اعمال خیر و بی‌شمار آن مرحوم را در این مقدمه فهرست وار به رشته تحریر بیاورم.

مرحوم حاج آقا مهدی دریانی در زندگی خود از نقطه نظر امور خیریه دو مسأله مهم علاقه خاصی داشت؛ یکی فرهنگ و دیگری بهداشت.

او همیشه در سخنان خوی شاهمیت و ارزش این دو اصل را تکرار می‌کرد. فرهنگ برای تعلیم و تربیت، و بهداشت برای سلامتی جامعه.

و به همین جهات از اول جوانی در روستاهایی که فاقد مدرسه بودند و از این جهت زیر پوشش برنامه‌های فرهنگ قبول نمی‌شدند، شروع به ساختن مدارس زنجیره‌ای در روستاها نمود. به طوری که در عرض هشت سال از ۱۳۲۹ تا ۱۳۳۶ شمسی حدود بیست و چهار باب دبستان و دبیرستان و دو باب درمانگاه و بیمارستان ایجاد و در اختیار اهالی قرار داد. و نیز در سال ۱۳۳۶ شمسی که روستاهای زیادی در حومه اصفهان و کاشان بر اثر زمین لرزه با خاک یکسان شده بود، با اهدای یک میلیون تومان رأساً اقدام به عمران و آبادی آنها نموده، در عرض چند ماه تحویل روستائیان می‌نماید. بدیهی است در صورت امکان، تعداد و مشخصات این آبادی‌ها با نام و نشان در بخش دیگری به نظر تان خواهد رسید.

مرحوم حاج آقای مهدی در بذل مال و ثروت به ویژه برای پیشرفت فرهنگ و توسعه امور بهداشت هیچ مضایقه نداشت و خیلی دست و دل باز بود. اگر بخواهیم همه کارهای عام‌المنفعه او را ارزیابی کنیم به جرأت می‌توان گفت در بین اشخاص نیکوکار معاصر منحصر به فرد بوده و در این رابطه جایگاه ویژه‌ای دارد.

لازم به گفتن نیست که با کمال تأسف و تأثر و بی‌انصافی این جایگاه ویژه بین اجتماع قدرشناس و فراموشکار و نمک خورده نمکدان شکن به بوته فراموشی سپرده شده. بدیهی است که این بی‌تفاوتی و بی‌اعتنایی جز دلسردی و انزجار افراد نیکوکار چیزی ببار نخواهد آورد. و جالب است اگر هم در نشریه‌ای از

او اسمی برده شده در ردیف کسانی که به طور مثال یک حمام و یا مدرسه در روستایی ساخته‌اند قارر داده شده که قیاسی مع الفارق است و حکایت مقایسه فیل و فنجان.

نگارنده عقیده دارد به منظور تشویق و ترغیب اشخاص نیکوکار جامعه (نه برای تعریف اغراق آمیز او) صورت ریز تمام آثار و ابنیه اهدایی آن مرحوم که از سال ۱۳۲۴ شمسی شروع و تا سال ۱۳۵۸ به طور مستمر ادامه داده و هزینه کل آنها مطابق لیست اسناد و مدارک موجود بالغ بر چهل و هشت میلیون تومان پر برکت است، با شرح و بسط لازم چاپ و در معرض عام قرار گیرد.

در اینجا لازم می‌دانم برای نمونه فقط ارزش و عملکرد یک چهل و هشتم کارهای عام‌المنفعه آن مرحوم یعنی یک میلیون تومان اهدایی برای عمران و آبادی روستاهای منطقه اصفهان و کاشان که مطابق لیست موجود شامل حدود دو هزار و چهار صد و شصت و یک خانه مسکونیو سیصد و بیست رشته قنوات در حدود ۱۳۰ روستای زلزله زده است به طور اختصار اشاره کرده از خواننده با حوصله و با ذوق و حسابدانی خواهش کنم چنانکه بتواند مخارج این تعداد خانه‌ها و قنوات را که ثمره یک چهل و هشتم است با نرخ و ارزش ریال امروزه محاسبه کند. ارزش کلان و فصل ۴۷ میلیون تومان هم بدست خواهد آمد و بعد تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل.

حاج علی اصغر گرامی داریانی

۱۳۶۲ شمسی